

چگونه در دانشکده پزشکی درس بخوانیم



درس خواندن گروهی

درباره گروه‌های مطالعه، حرف‌های زیادی می‌شود زد؛ اما قبل از پیوستن به گروه‌هایی که دوستان شما را به آن‌ها دعوت می‌کنند، این سوال‌ها را از خودتان بپرسید:

- آیا واقعاً این کار، چیزی عایدتان خواهد کرد؟ آیا این کار، موجب استفاده بهینه از زمان محدودتان خواهد شد؟ - اگر همین زمان را به تنهایی صرف مطالعه یادداشت‌هایتان کنید، بهتر نخواهد بود؟

حالا بیایید درباره مزایا و معایب درس خواندن گروهی صحبت کنیم.

مزایا:

- نسبت به تکی درس خواندن، بامزه‌تر است. - به دلیل اینکه با دیگران در ارتباط هستید، هوشیارتر خواهید بود. - ممکن است حین یادداشت برداری نکته‌ای را فراموش کنید؛ دانشجویان دیگر می‌توانند سریعاً این موضوع را به شما گوشزد کنند. - بعضی اوقات هم چیزی را فراموش نکرده‌اید بلکه داده‌های غلط را یادداشت کرده‌اید و در این صورت، باز هم بقیه هم‌کلاسی‌ها سریعاً کارتان را اصلاح می‌کنند. - یک مشوق عالی برای تکمیل یادداشت‌هایتان است؛ برای مثال، اگر قرار گذاشته باشید که روز پنجشنبه همدیگر را ملاقات کنید، یادداشت‌هایتان را چهارشنبه عصر تمام می‌کنید. - شما دانش، یادافزارها، هم‌نشینی‌ها و فرمول‌هایتان را به اشتراک می‌گذارید.

معایب:

- ممکن است گاهی اوقات موجب اتلاف وقت شود؛ مثل زمان‌هایی که صرف چرت‌وپرت گویی و نقل خاطره می‌شود. - بحث‌های گروهی می‌توانند به راحتی موضوع اصلی را به حاشیه ببرند، تا جایی که مثلاً در ابتدا مشغول بحث درباره‌ی متابولیسم گلوکز هستید و در نهایت به خاطرهای از دیابت اقوامتان در کلاس دوم ابتدایی می‌رسید. - سرعت درس خواندن گروه ممکن است از سرعت شما بسیار بیشتر یا بسیار آهسته‌تر باشد. - ممکن است با زمانی که باید صرف تکمیل یادداشت‌هایتان شود، تداخل داشته باشد. - گاهی اوقات این شیوه، با شیوه‌ی مطالعه شما هم‌خوانی ندارد، به‌طور مثال، اگر فردی هستید که بیشتر با حافظه بصری یاد می‌گیرید، نشستن و صحبت کردن درباره‌ی تمام جوانب یک موضوع، کمک زیادی به شما نخواهد کرد.

وقتی موقعیت پیوستن به این گروه‌ها پیش می‌آید با خودتان روراست باشید؛ اگر درس خواندن در این گروه‌ها بازدهی مناسبی برایتان ندارد «هرچقدر هم که سرگرم کننده باشد»، از رد کردن درخواست دوستانتان برای پیوستن به گروه نترسید. اما اگر به‌طور مشابه، فکر می‌کنید که این‌گونه درس خواندن به شما کمک خواهد کرد، از دعوت دوستانتان به تشکیل چنین گروه‌هایی خجالت نکشید. من هیچ‌گاه در گروه‌های مطالعاتی درس نخواندم؛ چون که احساس می‌کردم تنهایی بیشتر می‌توانم مطالب را مرور کنم. دلیلش هم، گاهی اوقات لطیفه تعریف کردن اعضای گروه و تلف شدن وقت با ارزشم بود و دلیل «خیلی مهم‌تر» دیگر هم، آن بود که من تنهایی با سرعت بیشتری درس می‌خواندم. احتمالاً من نسبت به چنین گروه‌هایی سوگیری منفی دارم؛ اما این یادتان باشد که خیلی هم به این گروه‌ها وابسته نشوید؛ هیچ‌گاه فراموش نکنید که در جلسه امتحان، باید تک‌نفری و روی پای خودتان بایستید!

برگرفته از کتاب چگونه در دانشکده پزشکی درس بخوانیم
نوشته دکتر آرمین کامیاب / با تشکر از خانم سارا سادات طباطبایی

آنچه گذشت و آنچه خواهید دید



_ مسابقه دانشجوی تمدن ساز



_ افطاری ماه مبارک رمضان



_ رقابت حقیقت زیر نقاب



_ اعتکاف دانشجویی



ماهنامه رسا/شماره سوم/فروردین ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: بسیج دانشکده پزشکی

مدیر مسئول: محمد مهدی محمدی

سرمدیران: سینا ریاحی، محمد صادق برزگر، آزاده مکبر

ارتباط با ما @Rasa_tums



_ اردو راهیان نور



_ هیئت هفتگی صاحب الزمان

در نشریه رسا بخوانید



اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه کاری شود و حرفش را با ملاحظه و مصلحت خیالی بیان کند. ص ۴

ایده‌های نوین مهار سرطان! میدان های الکتریکی به کمک شیمی درمانی می‌آیند. ص ۳

مصاحبه با اساتید کاشانی، حسن زاده و ریاحی حول موضوع دانشجوی و انگیزه بخشی ص ۲

مصاحبه با اساتید، انگیزه دانشجویی

مصاحبه کنندگان: خانم فاطمه محمودی، خانم الیسا رحمتی



دکتر حسن زاده استاد آناتومی



ما دو نوع انگیزه داریم، یک انگیزه بیرونی و یک انگیزه درونی. انگیزه بیرونی مانند مادر خانواده است. بچه ها میگویند من پزشکی را علاقه نداشتم و خانواده بنده را تشویق کردند. این انگیزه خوب است. استادی ممکن است طوری انگیزه دهد که مطالعه بیشتر شود؛ اما انسان ها باید انگیزه درونی داشته باشند و از کار خود لذت ببرند. مثلاً در تماشای فیلم زندگی یک پزشک این احساس به او دست دهد که "کاش من هم مثل او موفق می شدم". انگیزه درونی خیلی مهم است و این دو انگیزه باید با هم ارتباط داشته باشند. خانواده باید حمایت کند و خود شخص علاقه داشته باشد و این گونه تمام سختی ها قابل تحمل است. اما رفتن در راه سخت، به اعتقاد من فقط نیاز به مطالعه ندارد. نیاز به ایمان و اعتقاد به کار و هدف دارد و اینکه شخص بداند که برای چه این کار را می کند. مثلاً میگویند که اگر به جای آن در بنگاه ماشین می بودم، پول و سرمایه بیشتری هم داشتم. یک جاهایی هم stress لازم است؛ یعنی همان استرس های نسبی و تلنگرها. در مجموع درس خواندن در کل کار سختی است و در همه رشته ها چون همه رشته ها زیبا و ارزشمند هستند. مثلاً افراد خبره اقتصاد و سیاست باعث استفاده بهتر از منابع ایران می شوند و افراد بدون علم در راس قدرت بیشترین آسیب را به جامعه می زنند.

دکتر ریاحی استاد فیزیولوژی



بخشی از این مشکل، یک مشکل عمومی در جامعه است. این مشکل متأثر از شرایط جامعه هم هست. این بی انگیزگی اکنون در حوزه های دیگر هم وجود دارد؛ بنابراین مسئله ای است که همه رشته ها را تحت تأثیر قرار داده است. اما اگر به صورت ویژه برای دانشجویان پزشکی بخواهم جمله ای بگویم، این است که اکنون شما چیزی دارید که انسان های دیگر آن را ندارند. اولاً، شما در سنی هستید که آینده برای شماست. در جامعه ما به نظر من واگذاری مسئولیت ها و جایگاه ها به صورت طبیعی صورت نگرفته است. اگر هری را در نظر بگیریم که بخواهیم تمام وظایف را در آن قرار دهیم، اختیار داریم کسانی که تجربه بالایی دارند و به یک معنا سن و سال بیشتری دارند به هم قرار گیرند و به سمت بالا افراد جوان تر شوند و کترین مسئولیت ها بر دوش جوان ترین ها قرار گیرد. اما الان هری نداریم که اینگونه باشد. جامعه ایران را می توانیم از نظر اشتغال به کار و وسایل در سه نسل در نظر بگیریم. بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد آنها در اختیار کسانی با سن بالای ۵۵ سال است. سپس با یک شکاف بسیار زیاد هرم پاریک می شود و افراد باقی مانده هم مسئولیت را بر عهده می گیرند. جوانان اکنون در جایگاه تصمیم گیری یا داشتن ایده نیستند اما این وضعیت پایدار نیست. افراد با سن و سال من در دهه چهل فیزی انگر نادیده گرفته شده اند (missed). اگر نسل جوان تر یعنی شما به جایگاه تصمیم گیری برسید و بتوانید وضعیت را تغییر دهید، این می تواند موجب ایجاد انگیزه در دانشجو شود و به این صورت شما نسل خواهید بود که مسئولیت ها و اختیار را با هم خواهید داشت. نکته دیگر این است که شما در حال تحصیل هستید و مهارت و دانش (knowledge) شما در حال افزایش است بنابراین نسل تاثیرگذار خواهید بود.

دکتر کاشانی استاد آناتومی



روزمرگی را باید از بین برد. اگر یک نفر در خانواده به عنوان مثال MS داشته باشد در درس خواندن انسان خود به خود به آن بهاری جذب می شود دانشجویان باید بدانند این بهاری ها در مملکت ما فراوان است. اگر بعضی وقت ها به بهارستان امام بروند و ببینند که همراهان بهار چگونه به دلیل نبود مکان، اطراف بهارستان ساکن هستند؛ باعث می شود بچه ها انگیزه پیدا کنند. من به عنوان یک بهار شاید خیلی مشکلات داشته باشم که به پدر و مادر خودم نگویم اما به پزشک می گویم برای همین از نظر من پزشک یک برگزیده است به همین دلیل هم باید بیشتر دقت داشته باشند. وقتی به این فکر میکنم که آجرهای این کلاس توسط ابو القاسم بختیار چیده شده است، بودن در اینجا باعث احساس افتخار و غرور در من می شود و دانشجویان باید از این احساس استفاده بکنند. البته قبول دارم که این سن، سنی است که بچه ها علاقه مند به تفریح هستند. اما باید این مسائل در کنار درس باشد، متأسفانه در بعضی افراد عکس این قضیه است. بعداً متوجه می شوید که چقدر ارزش دارید و باید ارزش خود را بدانید.

دکتر تشخیصت چیه؟



استاد کتابش را که از کهنگی برگه هایش جدا شده بود، به من و جمعی از شاگرد ها داده بود تا کمی بیشتر با تاریخچه بیماری ها و درمان آن ها آشنا شویم. در برگه های اولیه کتاب، در مورد تب مالت (بروسلوز) نوشته شده بود. از تاریخچه آن که توسط دیوید بروس از طحال یک سرباز بریتانیایی در جزیره مالت شناسایی شده بود تا کشف ارتباط دام با این بیماری و درمان آن با آنتی بیوتیک ها مثل کلرامفنیکل! به اینجا که رسیدیم کتاب، خط خوردگی و پوسیدگی زیادی داشت. نوشته ها - تا جایی که می توانستم بخوانم - به شرح زیر بود: "سال ۱۹۵۱، چند سال بعد از جنگ جهانی دوم... کودک مبتلا به بیماری... مادر مبتلا به تب مالت... مصرف آنتی بیوتیک در ۳ ماه آخر بارداری... رنگ صورت نوزاد: آبی... وضعیت بالینی: ضعف عضلانی و... عدم تنفس یکنواخت و تنفس با حالت خس خس... نبض..."

در آخر هم نوشته بود که بعد از حدود دو دهه مصرف کلرامفنیکل، مصرف آن از دهه ۱۹۷۰ میلادی با آنتی بیوتیک های ایمن تر جایگزین شد. بین ما بحث هایی پیرامون ماهیت، علل ایجاد و درمان بیماری شکل گرفت. دست آخر، استاد گفتند: «هرکه بیماری را پیدا کند، جایگاه ویژه شاگرد برتر» را کسب می کند!.

با تشکر از خانم نرگس زارعی و کارگروه علمی بسیج خواهران

پاسخ خود را به آیدی @Rasa_tums ارسال کنید تا برنده جایزه شوید! منتظر پاسخ این مورد به همراه اسامی برندگان در نشریه بعدی باشید.

پزشکی ورای دانشگاه مصاحبه با AI (قسمت دوم)



- خب، این طور گفته بودی که می تونی در زمینه های مختلفی به ما کمک کنی. مثل یادگیری شخصی سازی شده، آموزش جراحی به صورت رباتیک و شبیه سازی های علمی و مدل های واقعیت مجازی و همچنین می تونی به عنوان یک دستیار برای دانشجویان و اساتید عمل کنی.

+ بله. علاوه بر اینها، میتونم در زمینه تحقیق و توسعه در آموزش پزشکی هم مفید واقع بشم. به طور مثال افراد از راه دور و با امکانات کم نیز می توانند به آموزش های پزشکی دستیابی داشته باشند.

- می تونی چندتا از کاربردهای هوش مصنوعی در این زمینه رو بهمون بگی؟

+ ما هم اکنون شاهد کاربردهای جالبی در سراسر دنیا هستیم؛ به طور مثال:

دانشگاه بریتیش کلمبیا و محققان سرطان BC (Basal Cell Carcinoma) توانسته اند هوش مصنوعی را توسعه دهند که با دقت ۸۰٪ با خواندن یادداشت های پزشک، احتمال نجات از سرطان را پیش بینی کند.

طبق مقاله ای که در مجله Nature منتشر شده، هوش مصنوعی اکنون می تواند ساختار ۲۰۰ میلیون پروتئین را پیش بینی کند. این اطلاعات که در یک پایگاه داده ۲۳ ترابایتی ذخیره شده اند، می توانند امکانات جدیدی برای توسعه داروها، که بیشتر براساس این ساختارهای پروتئینی هستند را، فراهم کنند؛ Emotion AI که از پردازش زبان طبیعی (NLP) برای تشخیص احساسات انسان در متن استفاده می کند، به زودی ممکن است در برنامه های بهداشتی استفاده شود تا به پزشکان کمک کند تا وضعیت احساسی بیماران را ارزیابی و نظارت کنند. طبق گزارش های Neuroscience News ممکن است Emotion AI برای ارزیابی های سلامت روان و تشخیص شرایط فرد استفاده شود.

- ما شاهد پیشرفت و توسعه دنیا در زمینه هوش مصنوعی هستیم اما "ایران" در چه موقعیتی قرار داره؟

+ به گزارش پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، بر پایه گزارش «شاخص جهانی آمادگی دولت در زمینه هوش مصنوعی» در سال ۲۰۲۴ میلادی که با مدیریت موسسه «Oxford Insights» تهیه و نگاشته شده؛ ایران در جایگاه ۹۱ جهان (با امتیاز کل ۸۸/۴۳) است. در این گزارش، ۱۸۸ کشور ارزیابی و در سپاهیه پایانی رتبه بندی شده اند.

- به نظرم میتونیم با یک نظرسنجی از دانشجویان دانشگاهمون، به آمار خوبی در رابطه با استفاده از هوش مصنوعی دست پیدا کنیم. میتونی بهمون کمک کنی؟

+ البته. دانشجویان عزیز با اسکن QR code که در پایین این متن هست میتوانند در این نظرسنجی شرکت کنند.



با تشکر از خانم نرگس مقصودی





احکام پزشکی



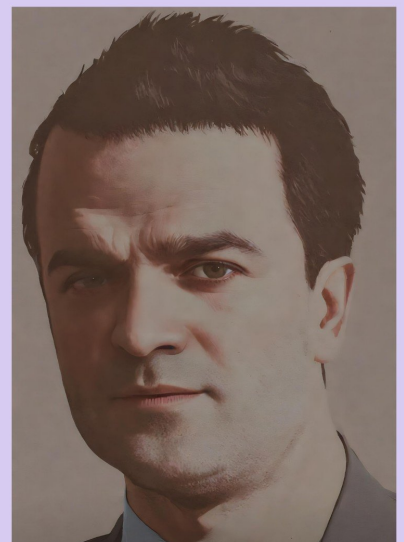
مشاهیر پزشکی



بیش از حد تصور مودب، بانزاکت و خوش لباس بود. خواهش می‌کنم، استدعا دارم، خواهید بخشید از دهانش نمی‌افتاد. در سر امتحان هیچ یک از دانشجویان را تجدیدی نمی‌کرد.

این رفتار را با یکی از دانشجویان در سر امتحان کرد که مشهور شده است: از دانشجو پرسید خواهش می‌کنم دوز (اندازه مصرف) آدرنالین رو بفرمایید. دانشجو بجای اینکه بگوید یک هزارم میلی گرم، گفت یک میلی گرم. بدون اینکه ناراحت شود و دانشجو را تجدیدی کند با ادب تمام فرمود: بفرمایید شما نمره قبولی (ده) گرفته‌اید ولی استدعا دارم این مقدار را تقسیم برای هزار بیمارستان تجویز فرمایید.

دکتر علی وکیلی، متولد ۱۲۹۰، استاد کرسی بیماری‌های درونی دانشکده پزشکی تهران



برگرفته از کتاب مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران



متن کامل خبر

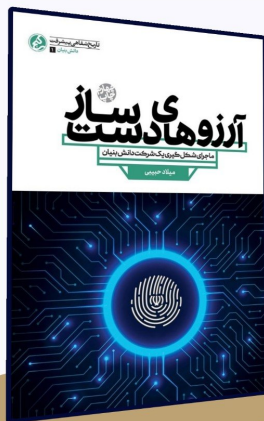
لباسها و وسایل اتاق عمل که نجس می‌شوند، در قسمت استریلیزاسیون (C.S.R) با فشار و بخار آب تحت شرایط خاصی استریل می‌گردند، آیا این وسایل، علاوه بر استریل شدن، پاك نیز می‌شوند؟ جواب: چیز نجس با بخار پاك نمی‌گردد.

با تکه‌های گوشت و زوائدی که حین عمل از بیمار جدا می‌گردد، چه باید کرد؟ آیا می‌توان آنها را به زباله‌دان ریخت یا باید دفن کرد؟ حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی): بنابر احتیاط واجب در پارچه‌های پیچانده و دفن شوند و بیش از این وظیفه‌ای ندارید. حضرت آیت الله نوری همدانی (مد ظله العالی): مستحب است دفن شوند. حضرت آیت الله صفائی گلپایگانی (مد ظله العالی): به طور کلی اعضاء خارج شده باید دفن شوند. آیت الله مکارم شیرازی (مد ظله العالی): واجب نیست دفن شوند.

معرفی کتاب



به جبر نمره و مدرک گرفتن، باید ۳۶۰ ساعت مفت و مجانی در یک شرکتی مرتبط با رشته‌ام کار می‌کردم...



همه چیز از ایده‌های خوب شروع می‌شود...

ماجرای دانشجویهایی که تا دیروز سر کلاس درس و کارآموزی بودن، اما چون این تمام چیزی که می‌خواستن نبود، پس تصمیم گرفتند که با کیک‌های بازار رقابت کنند! چه کیک‌هایی؟ شرکت‌های اسم و رسم‌دار خارجی و وطنی که روی اختراعات ایرانی سرمایه‌گذاری نمی‌کردن و فقط می‌خواستن با خارج‌ها کار کنند. آرزوهای دست‌ساز، روایت تلاش بی‌وقفه‌ی تعدادی دانشجوی با انگیزه و هم سن و سال ماست. یک عده بچه درس‌خون از دانشکده فیزیک دانشگاه تهران که بعد از آشنایی با همدیگر، دیوار آرزوهاشون رو از نو، آجر به آجر می‌چینن و کنار هم برای اهداشون تلاش می‌کنن تا در ایران به اون‌ها برسن. رویایی که رسیدن بهش، شد به شرکت دانش بنیان.

با تشکر از خانم زهرا مجدی

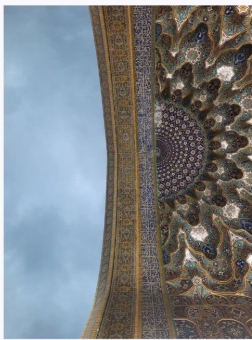
ایران روی لبه علم پزشکی قدم می‌زند...



محققین دانشگاه تهران توفستن با استفاده از میدان‌های الکتریکی ضعیف، با فرکانس متوسط رشد سلول‌های سرطانی خون رو مهار کنن! محققان در سلول‌های سرطانی که در معرض این میدان‌های الکتریکی قرار گرفتن، اثراتی از آسیب به دنا و القای مرگ برنامه ریزی شده دیده‌ان. این میدان‌ها موجب افزایش فتوفوذیری غشای سلول سرطانی شدن، که در نتیجه اون میزان جذب داروی شیمی درمانی توسط سلول هم افزایش پیدا می‌کنه! این در حالی که سلول‌های سالم در معرض این میدان‌ها اثر چندانی نمی‌پذیرفتن، که یعنی این روش به طور انتخابی روی سلول‌های سرطانی خاص اثر می‌کنه! قصورش رو بکنین... یک روش درمانی نوین که ترکیبی از شیمی درمانی به همراه این میدان‌های الکتریکی باشه، نه تنها می‌تونه اثربخشی شیمی درمانی رو بیشتر کنه بلکه عوارض دردناکش رو هم کاهش میده! لازم به ذکره که این تحقیق به طور خاص برای سلول‌های سرطان خون U۹۳۷ انجام شده، و اثرش در کنار داروی شیمی درمانی دافوروبیسین بررسی شده. پس برای توسعه و رسوندن اون به مراحل بالینی هنوز راه در پیشه... کی میدونه؟ شاید شما از توسعه دهندگان این روش‌های نوین برای درمان سرطان بودید، یا اینکه برای درمان بیمارانتون از این درمان‌ها استفاده کردین:

می‌توفین متن کامل خبر رو با اسکن کیوآرکد مطالعه کنین.

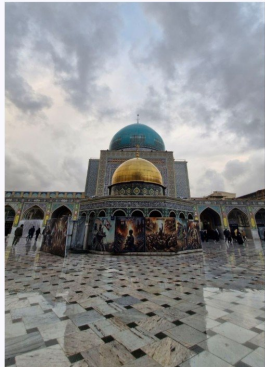
با تشکر از خانم برنیا اورعی



کاشی ایوان آسمان من...

با تشکر از خانم
ریحانه کشاورز

سماوی فی القدس



برای مشاهده مستند اسکن کنید

مصلحت خیالی یا صراحت صادقانه از جمله
مسائل مهم و ارگانداری است که امروزه
فضای دانشگاه و دانشجویان را فرا گرفته تا

مصلحت یا صراحت...



حدی که می‌تواند دانشجو و دانشگاهی که امام خمینی (ره) در رابطه با آن می‌فرمایند: «دانشگاه مبداء همه تحولات است و مقدرات يك کشور در دانشگاه است». را با سکوتی که از مصلحت اندیشی به ظاهر درست ولی در باطن تخریب گر می‌آید را تبدیل به رخوت گاه بکند ولی در مقابل صراحت صادقانه می‌تواند دانشجویی چنان پویا بسازد که هیچ مشکلی برای او مانع نباشد بلکه او راه حل مشکل باشد. بدترین اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه کاری شود و حرفش را با ملاحظه و مصلحت خیالی بیان کند؛ در حالی که رهبری می‌فرمایند دانشجو باید حرفش را صریح بزند. البته در کنار این صراحت در بیان، صداقت در نیت هم باید وجود داشته باشد. حاکم شدن بی رمقی سکون و محافظه کاری در قشر دانشجو، باعث از بین رفتن روحیه امید در این قشر فعال شده و باعث سستی در ارکان اساسی تحول جامعه به خصوص در قشر جوان می‌شود. حضور دانشجویان در تشکلهای دانشجویی، می‌تواند منجر به عبور از روزمرگی و بی تفاوتی دانشجویان و ظهور مسئله مداری و دغدغه‌مندی دانشجویان شود. درواقع دانشگاه علاوه بر اینکه عرصه‌ای برای علم آموزی است، زمینی برای تمرین مشارکت اجتماعی نهادهای دانشجویی از قبیل کانون‌های دانشجویی، تشکلهای دانشجویی و انجمن‌ها و مکانی مناسب برای بروز اندیشه‌های سترگ دانشجویی و مشارکت آنان در فعالیت‌های گروهی در عرصه فرهنگی، اجتماعی، علمی و هنری و ... است. دانشجویان نقشی بارز در اعتلاء توسعه فرهنگی دانشگاه و جامعه ایفا می‌کنند. باتوجه به رهنمودها و فرمایشات مقام معظم رهبری، مهم‌ترین جبهه‌ای که دانشجویان باید در شرایط کنونی در آن فعال باشند، برافراشته نگه داشتن پرچم حقیقی آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری، گفت‌وگو سازی، تلاشی برای گسترش جبهه انقلاب از طریق یادگیری و توجه به پیشرفت و تعالی کشور در همه زمینه‌ها است که باید دانشجویان در آن به صورت پویا و فعال نقش برجسته خود را ایفا کنند. در نهایت این بصیرت و زمان شناسی و مکان شناسی ما دانشجویان است که می‌تواند قدم‌های بزرگی در اعتلای کشور بردارد و باید بدانیم که بصیرت یعنی تا حسین نیامده، مسلم ولی امر است و این مفاهیم عمیق رهنما، از اندیشه‌های ولی امر زمانه رنگ و معنا می‌پذیرد.

با تشکر از آقای محمد مهدی محمدی

یک جرعه اومات

آندره اهمیت نقش
دانشجو در جامعه...



جوان در جامعه بایست درآر و اثر باشد
کنشگر گردد و از وضع کشور باخبر باشد

نباید منفعل گردید، باید استقامت کرد
که سر تا پا بر خوت ناتوان و ضربه خور باشد

به روشنگر شدن باید میبایست دانشجو
و از سرگرم کار بوی گشت بر صحر باشد

نشوید دست هرگز از تلاش و کوشش
ولو حق جو در کج صموده تنها یک نفر باشد

جوان باید برآر جامعه در عرصه تبیین
دلیل و آهل جریان ساز و تعیل گر باشد

غلا را بر کند با هر ظهور و هر بروز غویش
برآر کنگه دانشگاه، هر دم بفته تر باشد

کنش‌ها و قلم فرسودن ستر جهت یابد
که در میدان آئید کافرین بر سر باشد

میخ همه ها هرگز اثر بقیه کش نیست
جوان باید میخ جامعه صاحب نظر باشد

عقیده با قوسو با کرسیم بست را بنگش
جوان هرگز نباید بنده اما و اگر باشد

به صبر و حق تو اصرار کن؛ کلید هر ظفر این است
شکست جبهه را قبل به کار مستمر باشد

مخ هرگز گمان این زندگر در دیده صبر
به جز عشق و بلا و آزمون چیز سردگر باشد

و تو اگر دغدغه درآر سترخ ساز باش هم...
بدان این را جز این هر ریده لرن معتبر باشد

مستند کوتاه صفیر، روایتی از جنبش دانشجویی از ۱۳۳۲ تا ۱۴۰۰

از تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ قشر دانشجو بیدار شده و پرچم دار جامعه ایران اسلامی بوده است. جنبش دانشجویی فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته اما تا بوده خود را در برابر دردهای جامعه حساس می‌داند. اما مسئله‌ای که در دهه نود، خاصه از سال ۹۶ به بعد برای دانشجویان مطرح شده از جنس دیگری است... برای اولین بار محوری جامعه از دانشجویان گرفته شده مسئله‌ای که در انتخابات سال ۱۳۹۶ به وضوح دیده شد، بر عکس انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۳۲ قبل، در این انتخابات قشر سلبریتی نقش به سزایی در جریان سازی ایفا کردند؛ مستند صفیر، به مسیر جنبش‌های دانشجویی از سال ۱۳۳۲ می‌پردازد، جایگاهی که یک زمانی، دنیا نظاره‌گر فتح لانه جاسوسی ابرقدرت قرن به وسیله آن بوده است. به روایت مستند صفیر، اگر بخواهیم واقعیت را بگوئیم، جنبش دانشجویی در حال حاضر نسبت به ادوار خود، فعالیت کوچک و کم وسعتی بیش نیست. مسئله حال حاضر، جایگاه و روند جنبش‌های دانشجویی در سال‌های اخیر و آینده آن است.

با تشکر از آقای محمد مهدی بارانی

سواد رسانه و پزشکی

سفریک دانشجوی سردرگم به سوی آگاهی

برای او، پزشکی یعنی نجات جان‌ها، ایستادن بر مرز مرگ و زندگی و شفای دردی که هیچ‌کس قادر به التیامش نبود. اما آنچه که در دانشگاه انتظارش را می‌کشید، تنها آناتومی و فارماکولوژی نبود، بلکه دیواری نامرئی از جمل و اطلاعات نادرست بود که سایه‌اش بر تمام دنیای طبابت سنگینی می‌کرد. پزشکی، برخلاف تصور، تنها بازی با داروها و تیغ جراحی نبود؛ بلکه رقابتی بر لبه‌ی تیغ حقیقت و خیال بود. اولین بار که پیرمردی با گام‌های لرزان وارد درمانگاه شد و با لحنی مردد گفت: «دکتر جان، راست است که واکسن‌ها آدم را ناباور می‌کنند؟» امیر احساس کرد که دست‌هایش در برابر این سؤال خالی است. نه به خاطر اینکه پاسخ علمی را نمی‌دانست، بلکه به این دلیل که نمی‌توانست در برابر کوهی از اطلاعات غلط که این پیرمرد در فضای مجازی خوانده بود، سد محکمی بسازد. او با خود فکر کرد که چگونه ممکن است حقیقت، با این همه صلابت و پشتوانه‌ی علمی، در برابر طوفان شایعات، این چنین متزلزل باشد؟ امیر پزشک بود، اما سواد رسانه‌ای نداشت. او می‌دانست که چگونه یک بیماری را تشخیص دهد، اما نمی‌دانست که چگونه یک خبر نادرست را از یک منبع معتبر تفکیک کند. او از بیماری‌های قلبی و ریوی آگاه بود، اما از بیماری‌های رسانه‌ای، از ویروس شایعات و باکتری‌های شبه‌علم که آرام‌آرام ذهن مردم را مسموم می‌کردند، بی‌خبر بود. آرام آرام فهمید که جراحی فقط بریدن و دوختن نیست، بلکه گاهی باید با کلمات جراحی کرد، باید با تیغ منطق، تومورهای جهل را از رگ‌های جامعه خارج کرد. تصمیم گرفت وارد میدان شود. شروع به خواندن درباره‌ی سواد رسانه‌ای کرد، تفاوت بین خبر صحیح و شایعه را آموخت، یاد گرفت که چگونه اخبار دروغ را ریشه‌یابی کند و با زبان مردم، نه زبان خشک و رسمی علم، حقیقت را به گوشان برساند. درست زمانی که فکر می‌کرد تلاش‌هایش بی‌ثمر است، همان پیرمرد دوباره بازگشت. اما این بار نه با شک و تردید، بلکه با لبخندی مطمئن. «دکتر، ویدیوی تو را دیدم، فهمیدم که چطور اطلاعات غلط می‌توانند آدم را به اشتباه بیندازند. برای واکسن زدن آمده‌ام، این جمله برای امیر چیزی فراتر از یک پیروزی بود. او دیگر نه تنها یک دانشجوی پزشکی، بلکه یک جنگجوی آگاهی بود. حالا فهمیده بود که پزشکی، نه فقط درمان زخم‌های جسم، بلکه ترمیم زخم‌های نادانی است. او دریافت که گاهی، برای شفای یک جامعه، باید پیش از نسخه‌نویسی، برای ذهن‌ها مرهم حقیقت را تجویز کرد.

با تشکر از آقای علی کریمی